

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف

حجاب در دوره‌ی اول پهلوی

غلامرضا جمشیدیها*، لیلا نجفیان‌رضوی**

چکیده: پس از روی کار آمدن رضاخان و تشکیل حکومت قدرتمند مرکزی، زمینه‌ی برنامه‌ریزی برای انجام اصلاحات در ایران فراهم شد. از جمله‌ی این اصلاحات بهبود وضعیت زنان در جامعه بود که با هدف شبیه‌سازی ایران به غرب انجام می‌گرفت و از این رو کشف حجاب و تغییر وضعیت ظاهری مردم در این راستا قابل فهم و توضیح است. در پژوهش حاضر پس از بررسی چگونگی مخالفت مردم با دستور کشف حجاب با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تطبیق آن با شاخصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی و اقتصادی مقاومت در برابر تغییرات، این نتیجه حاصل شد که پایبندی مردم به اعتقادات و ارزش‌های دینی و دیگر عوامل فرهنگی اصلی‌ترین دلیل مخالفت مردم ایران با کشف حجاب بوده است. ضمن آن‌که شاخصه‌های اجتماعی، روانی و حتی اقتصادی نیز در رده‌های بعدی تأثیرگذاری در عدم استقبال از کشف حجاب در ایران بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: رضاشاه، تغییرات، کشف حجاب، مقاومت، مردم.

مقدمه

لباس، سر و وضع ظاهری و سیمای اشخاص در ایران قدیم، اهمیت و نقشی بیش از یک وسیله صرفاً پوششی در برابر گرما و سرما را داشت و جزئی از فرهنگ ملی و عامل طبقه‌بندی و شناخت شخصیت‌ها بود. تغییر لباس و صورت، کم و بیش به منزله تغییر هویت، ملیت و مذهب محسوب می‌شد و حمله کردن دولت‌ها به کلاه و قبا یا به ریش و سیبیل، مستلزم جرأت و جسارت فوق‌العاده بود (نجاتی، ۱۳۷۵: ۱۲۰). هم‌چنین جلوگیری در استفاده از لباس‌های محلی و بومی و کوشش در

Gjamshidi@ut.ac.ir

leylanajafianrazavi@yahoo.com

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۵/۱۲

جهت رفع حجاب زنان در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. این آمیختگی مذهب و فرهنگ در نوع پوشش مردم ایران و به خصوص زنان باعث شد تا پس از مشروطه نیز، با وجود کوشش عده‌ای، از موضوع کشف حجاب در ایران استقبال چندانی نشود و حتی پس از آن که - با رعایت اصول و تمهیداتی - کشف حجاب به صورت رسمی از سوی دولت ایران در دوره‌ی رضاشاه به اجرا درآمد با واکنش منفی اقشار مختلف مردم ایران روبه‌رو شود. این واکنش‌ها اگرچه سازمان یافته نبود و به جنبش یا قیام تبدیل نشد، اما باعث شد تا اجرای این دستور حکومتی با روندی بسیار کند دنبال شود و در فاصله‌ی چند ساله میان لازم‌الاجرا شدن این دستور تا خروج رضاشاه از ایران، توفیق چندانی برای دولت در اجرای این دستور حاصل نشود.

در این پژوهش پس از بیان مسأله، چهارچوب نظری و روش تحقیق، ابتدا روند بی‌حجابی در ایران و نحوه‌ی عملکرد رضاشاه برای رسیدن به این مهم مورد بررسی قرار گرفته و سپس واکنش مردم در مقابل دستور حکومتی کشف حجاب، ضمن تطبیق این واکنش‌ها با علل مخالفت در برابر این تغییرات برنامه‌ریزی شده مورد توجه قرار خواهد گرفت که این امر در نهایت ما را به چرایی مخالفت مردم ایران با کشف حجاب و پیشرفت کند این برنامه‌ی اصلاحی دولت در دوره‌ی پهلوی اول خواهد رسانید.

طرح مسئله

از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار بود که به تدریج روشنفکران ایرانی برای جلوگیری از عقب‌ماندگی و آشنایی با علوم و تکنولوژی روز، به غرب و پیشرفت‌های آن توجه نشان دادند و با ترجمه‌ی کتب، به کارگیری معلمان خارجی، اعزام محصل به خارج، ایجاد دارالفنون و انجام پاره‌ای از اصلاحات داخلی کوشیدند تا حدالامکان جامعه‌ی ایران را از شکل سنتی خود خارج نموده و با پیشرفت‌های جهانی هماهنگ سازند. از جمله‌ی دستاوردهای این ارتباطات و توجه به غرب، تمایل افراد تحصیل کرده در خارج از کشور و یا مرتبط با آن، به تطبیق ظاهر و شیوه‌ی زندگی‌شان با جامعه‌ی آن روز اروپا بود. این امر باعث شد تا پس از مشروطه شدن دولت ایران بحث‌هایی در خصوص کشف حجاب نیز به صورت پراکنده مطرح کند. با این حال بیش از این در این خصوص تا روی کار آمدن رضاخان پیشرفتی حاصل نشد. تمایل رضاشاه به انجام اصلاحات، ایجاد ایرانی نوین و جامعه‌ای شبه‌غربی باعث شد تا تغییر لباس مردان و کشف حجاب زنان در رأس بخشی از برنامه‌های اصلاحی دولت پهلوی قرار گیرد و دولت برای نیل به این منظور اقدامات گسترده‌ای را انجام دهد. با این حال با وجود گام‌به‌گام بودن

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۳۹

این اصلاحات و تمهیدات فراوان دولت مرکزی برای پیشگیری از مخالفت مردم با این تغییرات، لازم‌الاجرا شدن رفع حجاب زنان ایرانی با عملکرد اعتراض‌آمیز گسترده‌ی مردم همراه بود و برنامه‌ی اجباری دولت و سختگیری مأمورین بر مردم نیز چندان به پیشرفت این امر کمک نکرد. با وجود آن‌که در خصوص موضوع کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی تحقیقات زیادی انجام شده است، اما محققین کمتر به این امر توجه نشان داده‌اند که با بررسی اسناد منتشر شده‌ی دولتی و مرور خاطرات مردم و درباریان از یک‌سو و با در نظر گرفتن شاخصه‌های حکومت پهلوی در دوره‌ی رضاشاه (حکومت مطلقه)، همانند تمایل قشر تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه به تغییر و تمهیدات گسترده‌ی دولت برای انجام مرحله به مرحله‌ی کشف حجاب از سوی دیگر، به پاسخی برای این پرسش بپردازند که چرا دولت پهلوی اول در اجرای طرح کشف حجاب توفیق چندانی حاصل نکرد؟ این پژوهش بر آن است تا با توجه به شاخصه‌های مختلف به عنوان موانع تغییرات، چرایی مخالفت عام مردم ایران در مقابل رفع حجاب و تغییر پوشش زنان را دریابد. امری که از این منظر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری

همان‌طور که روی‌دادن تغییرات در هر جامعه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است، مخالفت و مقاومت در برابر تغییرات نیز در صورت عدم‌توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه مانعی اصلی در برابر تغییرات خواهد بود. مقاومت را می‌توان هر جریانی دانست که به بقای وضع موجود در مقابل فشار برای جایگزینی وضع موجود کمک می‌کند (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۰: ۵۲). حتی اگر تغییرات به صورت برنامه‌ریزی شده و از سوی نهادی قدرتمند هم چون دولت اعمال شود، در صورتی که در تغایر با فرهنگ و باورهای مذهبی مردم باشد با موانع فرهنگی، اجتماعی، روانی و حتی اقتصادی فراوانی روبه‌رو خواهد شد. اگر چه محققان و جامعه‌شناسان مختلفی هم‌چون فاستر^۱ در ضمن تحقیقات گسترده‌ی خود به عوامل مختلف تأثیرگذار بر روی مقاومت در برابر تغییرات اشاره کرده‌اند اما همگان بر این امر نیز اذعان داشته‌اند که بنا به نوع تغییر، میزان تأثیر شاخصه‌های مختلف برای مقاومت در برابر تغییر متفاوت است. اگرچه نمی‌توان نظریه‌ای جامع در خصوص علل مخالفت مردم با تغییرات را برای انجام این پژوهش مورد استفاده قرار داد اما می‌توان با توجه به شاخصه‌های مؤثر در مقابله با تغییرات، به پاسخی چندوجهی در این خصوص دست یافت. مؤلف کتاب «تغییرات برنامه‌ریزی شده»

¹.Faster,George

(جوادی یگانه، ۱۳۸۰) به مجموعه‌ای از موانع مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و سازمانی که شاخصه‌های مقاومت در برابر تغییرات برنامه‌ریزی شده را تشکیل می‌دهند اشاره کرده است. بر این اساس اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، خودمداری فرهنگی، غرور و حفظ آبرو از جمله‌ی موانع فرهنگی در مقابل تغییرات هستند (همان: ۶۵-۵۹ و فاستر، ۱۳۷۸: ۱۵۲-۱۳۹). همچنین شاخصه‌هایی هم‌چون همبستگی منافع گروهی، عدم‌همنوایی با هنجارها، تضاد میان گروه‌های مختلف جامعه و میزان بصیرت در خصوص یک تغییر را می‌توان به عنوان موانع اجتماعی یک تغییر مورد بررسی قرار داد (همان: ۷۰-۶۵). هم‌چنان که درک افراد از تغییر، تمایل به سکون، همنوایی با تغییر یا وجود تعهد برای عمل به هنجارها و عوامل شخصیتی نیز در ردیف موانع روانی مقابله‌کننده با تغییرات قابل شناسایی می‌باشند (همان: ۷۷-۷۰). در برخی موارد به و قیمت پذیرش تغییر و یا سود اقتصادی حاصل از تغییر نیز از عوامل مؤثر در پذیرش یا رد یک تغییر در بعد اقتصادی است (همان: ۸۶). با توجه به این که مقاومت مردم ایران در مقابل دستور حکومتی کشف حجاب امری گسترده و در عین حال پراکنده؛ خاموش و البته گویا است، نشان‌دهنده‌ی آن است که این مخالفت ریشه در معیارها و ارزش‌های مختلفی دارد که با زندگی روزمره‌ی مردم آمیخته است لذا به نظر می‌رسد که با توجه به شاخصه‌های فوق می‌توان علل مخالفت مردم ایران با دستور حکومتی کشف حجاب را مورد بررسی قرار داده و میزان تأثیر هر یک از موارد فوق را در عدم‌پیشرفت سریع این تغییر ارزیابی نمود. با مدنظر قرار دادن این شاخصه‌ها در نهایت می‌توان این فرضیه را در این تحقیق مطرح نمود که موانع فرهنگی، اجتماعی، روانی و حتی اقتصادی در مخالفت مردم ایران و مقاومت آنان در برابر دستور حکومتی کشف حجاب تأثیرگذار بود.

روش تحقیق

با توجه به این که در این پژوهش واکنش و مخالفت مردم ایران در مقابل دستور حکومتی کشف حجاب مدنظر قرار گرفته است بنابراین محقق با استفاده از روش کتابخانه‌ای اسناد منتشر شده از دوره‌ی اول پهلوی را مورد بررسی قرار داده و از خلال نامه‌ها و تلگراف‌های مبادله شده، روش‌های مبارزاتی مردم را استخراج کرده است. همچنین از میان خاطرات درباریانی که در دوره‌ی مورد بررسی به نوشتن خاطرات خود پرداخته‌اند واکنش طبقه‌ی درباری و دولتی در مقابل این دستور را مورد ملاحظه قرار داده است و در نهایت مصاحبه با افرادی که مستقیماً خاطراتی از آن دوران در ذهن داشته‌اند را نیز برای تکمیل شیوه‌های مبارزاتی مردم از نظر دور نداشته است. محقق پس از استخراج و دسته‌بندی شیوه‌های متفاوت اعتراض به دستور کشف حجاب، این شیوه‌ها را با شاخصه‌های مطرح شده به عنوان موانع تغییرات مورد مقایسه قرار داده و از این میان، علت مخالفت مردم در مقابل تغییر پوشش و رفع حجاب زنان و میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف در این مخالفت را مورد بررسی قرار داده است.

تاریخچه‌ی روند بی‌حجابی در ایران

پیشینه‌ی مبارزه‌جویی زنان با هنجارهای سنتی حجاب در ایران را می‌توان از سال ۱۸۴۸م (۱۲۲۷ش) و با قره‌العین آغاز کرد (شهابی، ۱۳۸۲: ۲۸۹) و او را اولین زن بی‌حجاب معاصر دانست که در دوره‌ی ناصرالدین شاه می‌زیست و با وجود آن‌که از خانواده‌ای مذهبی بود، جذب فرقه بهائیت شده و به تبلیغ آن پرداخت (به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌نا]: ۷۸). او در ذیقعد ۱۲۶۸ هـ.ق در باغ ایلخانی اعدام شد و جسدش را در چاهی در همان باغ انداختند و اگرچه بدین ترتیب پرونده اولین زن بی‌حجاب معاصر بسته شد، اما اندیشه بی‌حجابی زنان نه تنها از بین نرفت، بلکه تقویت شد و افرادی نیز در مدح بی‌حجابی قلم چرخاندند و در واقع اینان ادامه‌دهنده مسیری بودند که قره‌العین آغازگر آن بود و رضا شاه تکمیل‌کننده‌ی آن (۱) (واحد، ۱۳۶۳: ۳۹-۳۸).

بی‌حجابی و تغییر وضعیت ظاهری پس از قره‌العین به صورت آرام و تدریجی ادامه یافت. خود ناصرالدین شاه نیز از عاملان این تغییر لباس بود. بدین ترتیب که پس از سفرش به روسیه در سال ۱۲۶۶ش و رفتن به تئاتر کارولین، لباس بالرینهای این تئاتر توجه او را جلب نمود و در برگشت به ایران، به زنان حرم دستور داد که مدل لباس جدید را بپوشند. آن‌ها نیز دامن‌های خود را کوتاه کردند، ولی در پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه، زنان به این مد بی‌توجهی نشان دادند، ولی همین عمل موجب تغییراتی در لباس زنان جامعه شد، که البته این تغییر بیشتر در نوع دوخت و مدل‌های ظاهری بود و ربطی به تزلزل بنای حجاب نداشت (به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌نا]: ۸۱-۸۰).

بعد از انقلاب سیاسی و مشروطه شدن ایران، مذاکره در خصوص روکشودن زنان بیشتر به میان آمد (۲) اما صورت عملی پیدا نکرد. با مسافرت زنان ایرانی به اروپا و بازگشت آنان بار دیگر کشف حجاب مورد توجه قرار گرفت، تا این‌که از حدود ۱۲۹۸ ش به سعی میرزا ابوالقاسم آزادآذربایجانی که سال‌ها در هندوستان اقامت داشت، انجمنی مرکب از مردان و زنان، به صورت نیمه‌پنهان، در خانه‌ی او یا دیگران تشکیل می‌شد و افراد حاضر در آن راجع به کشف حجاب به مذاکره می‌پرداختند با این حال موضوع کشف حجاب از این حوزه فراتر نرفت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۴۳۵-۴۳۳؛ شهابی، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

پس از روی کار آمدن رضاخان و ایجاد نظامی جدید مبتنی بر ارتش نوین، بوروکراسی و پشتیبانی دربار امکان برنامه‌ریزی برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران فراهم شد. (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۶۹). در واقع رضاشاه پس از تحکیم کامل قدرت سیاسی خود به انجام اصلاحاتی پرداخت که نشانه‌ی علاقه‌ی شدید او به تلاش در راه ساختن ایران نوینی بود که از یک سو به دور از نفوذ روحانیون و نیروهای مذهبی، دسیسه‌های خارجی، شورش‌های قبیله‌ای و اختلافات قومی و از سوی دیگر دارای نهادهای آموزش غربی، زنان غرب‌مآب فعال در بیرون از خانه و

ساختار اقتصادی نوین دارای کارخانه‌های دولتی، بانک‌های سرمایه‌گذاری و ... باشد. هدف درازمدت او ایجاد جامعه‌ای شبه‌غربی بود و ابزارهایش برای رسیدن به این هدف را غیردینی‌سازی، مبارزه با قبیله‌گرایی، ملی‌گرایی، توسعه‌ی آموزشی و سرمایه‌گذاری دولتی تشکیل می‌دادند (همان: ۱۷۴). با این توصیف او قدم در راه انجام تغییرات وسیعی می‌نهاد که بی‌شک مقاومت‌های فراوانی را در پی داشت. رضاخان با آگاهی از این امر، پیش از رسمی کردن کشف حجاب کوشید تا با زمینه‌سازی و در نظر گرفتن تمهیدات لازم، تا حد امکان از مقاومت مردم در برابر این تغییر بکاهد. لذا در زمانی کوتاه پس از تاج‌گذاری به حمایت و گسترش کانون‌ها و انجمن‌های بانوان پرداخت، (۳) چرا که این اماکن محل مناسبی برای تبلیغ کشف حجاب بود. تشکیل جمعیتی به نام بیداری نسوان در تهران در ۱۳۰۵ ش. و یا مجله اختران ایران در شیراز نیز از جمله‌ی این تمهیدات بود. در سال ۱۳۰۹ ش. اولین کنگره‌ی زنان شرق با حضور زنانی از ایران در شهر دمشق تشکیل شد. در ۱۳۱۴ ش. نیز قانونی به نام کانون بانوان تشکیل شد که ریاست آن به عهده‌ی صدیقه دولت‌آبادی بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. [بی‌نا]: ۸۲-۸۱). در خرداد ۱۳۱۴ ش. یک مرکز فرهنگی زنان که زیر نظر یکی از دختران شاه قرار داشت تأسیس شد و در آن دختران با لباس ورزشی رژه رفتند. (آوری، ۱۳۶۹: ۷۰). این افراد و جمعیت‌ها با انتشار روزنامه‌ها و مجلات به تبلیغ افکار خود می‌پرداختند. از جمله‌ی آنان می‌توان به «مجله زنان» به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی در اصفهان، «تامه بانوان» به مدیریت شهناز آزاد در تهران، «جهان زنان» به سردبیری آفاق پارسا در مشهد، مجله «عالم نسوان» به مدیریت نوبه صفوی در تهران اشاره کرد (صلاحی، ۱۳۸۴: ۶۳؛ کرونین، ۱۳۸۲: ۲۵۴-۲۵۲). در واقع تشکیل کانون‌ها، جمعیت‌های مختلف زنان، روزنامه‌ها و مجلات که به تبلیغ بی‌حجابی می‌پرداختند، اگر چه خود باعث مقاومت بیشتر در میان گروه‌های مخالف تغییرات می‌شد (تضاد میان گروه‌های اجتماعی) اما این تبلیغات کاهش تعهد روانی به لزوم استفاده از پوشش‌های سنتی را نیز به دنبال داشت. رضاشاه برای این که با واکنشی مشابه آن چه که بر سر امان‌الله‌خان در افغانستان آمده بود، مواجه نشود، (۴) کشف حجاب و تغییر لباس را از مردان شروع کرد. او در سال ۱۳۰۸ ش. استفاده از لباس‌های محلی و سنتی را ممنوع نمود و پوشیدن لباس‌های مدل غربی و استفاده از کلاه پهلوی را برای مردان بزرگسال به جز روحانیون اجباری کرد (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷۸). رضاخان با آغاز تغییر لباس از مردان که در خصوص وضعیت ظاهری خود حساسیت کمتری داشتند این امکان را برای دولت فراهم کرد که به زمینه‌سازی برای دگرگون کردن ارزش‌ها بپردازد ضمن آن که در این میان دولت می‌توانست واکنش مردم به تغییرات را نیز مورد ارزیابی قرار دهد (به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌نا]: ۸۲-۸۱). البته مورد اخیر (تغییر لباس)، همان طور که انتظار می‌رفت

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۴۳

با مقاومت مردم روبه‌رو شد، که از جمله معروفترین این مقاومت‌ها، می‌توان به واقعه‌ی مسجد گوهرشاد در مشهد اشاره کرد (همان: ۷۹-۷۶؛ مکی، [بی‌تا]: ۲۸۷-۲۸۱؛ مجله سروش، ۱۰۲، صفایی، ۱۳۵۶: ۳۷-۳۸؛ مجله تاریخ فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ شهبابی، ۱۳۸۵: ۲۰۳-۲۰۲؛ سیفی‌فمی‌تفرشی، ۱۳۶۸: ۱۸۱ و دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۳۱).

در این میان اقدامات شخص رضاخان در زمینه‌سازی برای کشف حجاب نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. چنان‌که ماجرای برخورد او با شیخ محمدتقی بافقی در نوروز ۱۳۰۶ ش، که مانع از حضور ملکه با پوشش نامناسب به حرم حضرت‌معصومه در قم شده بود، از جمله‌ی این موارد است (فردوست، ۱۳۶۹: ۶۹-۶۸؛ شهبابی، ۱۳۸۲: ۲۹۳). این اقدام رضاخان به دلیل برتر دانستن فرهنگ در جامعه توسط کارگزار تغییر بروز می‌کند (خودمداری فرهنگی) و باورهای رضاشاه به لزوم سوق دادن جامعه‌ی ایران به سوی تجدد چنین رفتارهایی را اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. علاوه بر این موارد می‌توان به نوشته‌های محمدرضا پهلوی در کتاب «مأموریت برای وطنم» نیز اشاره کرد. او در مورد اصلاحات پدرش می‌نویسد: «... در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه‌های خود در مجالس مهمانی به لباس زنان اروپایی درآمدند و عده‌ی کمی هم جرأت کرده، بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر می‌شدند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند...» (پهلوی، ۱۳۵۵: ۱۳۵؛ به نقل از: به کوشش واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۲۹؛ امینی، ۱۳۸۱: ۳۹). با این حال رسمیت کشف حجاب تا سال ۱۳۱۴ ش. به تأخیر افتاد و در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۷ ش. که قانون یکسان‌سازی لباس ایرانیان به اجرا گذاشته شد تا دی ماه ۱۳۱۴ ش. که برداشتن چادر و کشف حجاب رسمیت یافت، تبلیغات فراوانی برای کشف حجاب صورت گرفت (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۱).

در کنار آن‌چه در بالا ذکر شد، می‌توان به موارد زیر نیز به عنوان مقدمات اجرایی این تغییر بزرگ اجتماعی اشاره کرد: ۱- برگزاری مجالس سخنرانی و سرودخوانی با حضور نمایندگان مجلس و مقامات عالی‌رتبه دولتی و بانوان‌شان در دبیرستان‌های دخترانه؛ ۲- تأسیس مدارس مختلط تا سال چهارم ابتدایی (شهبابی، ۱۳۸۲: ۳۰۳)؛ ۳- گسترش پیشاهنگی دختران در مدارس دخترانه؛ ۴- آماده شدن افکار عمومی به وسیله روزنامه‌ها و مجله‌ها؛ ۵- توجه به آزادی بانوان به وسیله‌ی شاعران و نویسندگانی چون: ملک‌الشعرا بهار، رشید یاسمی، سعید نفیسی و حجازی (۵) که تمامی این موارد را می‌توان در قالب کاهش موانع روانی و غلبه بر تعهد انجام یک هنجار کهنه‌ی اجتماعی با به‌کارگیری محرک‌ها گنجانید؛ ۶- افزودن کلاه زنانه به کالاهای وارداتی در ۱۳۱۱ ش. (همان: ۲۹۴).

۴۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

این گونه برنامه‌ها تا دی ماه ادامه داشت و وزیر فرهنگ هر هفته چگونگی پیشرفت برنامه‌ها را به شاه گزارش می‌داد (صفایی، ۱۳۵۶: ۱۰۳-۱۰۲؛ مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱: ۱۱-۱۲؛ سیفی‌فمی‌تفرشی، ۱۳۶۸: ۱۷۳-۱۷۲؛ استادملک، [بی‌تا]: ۱۳۹-۱۳۷)، سرانجام هیات وزیران در جلسه ۴ دی ماه ۱۳۱۴ موضوع آزادی زنان را مطرح ساخت و اجزای آن را تصویب کرد و گزارش جلسه را محمود جم - نخست وزیر وقت - به عرض شاه رسانید (صفایی، ۱۳۵۶: ۱۰۴).

سه روز پس از این جریان بالاخره برای اولین بار، در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ ش. رضاشاه به همراه تاج‌الملوک و دو دخترش شمس و اشرف برای انجام مراسم فارغ‌التحصیلی در دانشسرای مقدماتی بدون حجاب ظاهر شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۸۲) (۶).

از این زمان بود که حجاب ممنوع اعلام شد. کسبه از فروش اجناس به زنان با حجاب منع شدند. زنان با حجاب حق ورود به خیابان‌ها یا سوار شدن به وسایل نقلیه را نداشتند (امینی، ۱۳۸۱: ۳۹). آنان هم چنین اجازه‌ی ورود به فروشگاه‌ها، سینماها و گرمابه‌ها را نداشتند (شهبابی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

پس از کشف حجاب رسمی در ایران، دولت برای نیل به مقصود خود وارد مرحله‌ی جدیدی از سیاست‌گذاری خود گردید که از آن جمله می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

- پرداخت یک ماه حقوق به بعضی از نظامیان برای تهیه لباس و بازپرداخت آن در ۶ قسط (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۲۰۶)، در راستای زدودن موانع اقتصادی و قابل پذیرش ساختن تغییر از بعد اقتصادی.
- اتیکت‌دار کردن اجناس موردنیاز برای مردم، برای مبارزه با افزایش ناگهانی قیمت‌ها (همان: ۲۱۸-۲۱۷) (۷)، زدودن موانع اقتصادی تغییر.
- چادر بر سر کردن زنان معروفه (شهبابی، ۱۳۸۲: ۳۰۱) و جلوگیری از راه رفتن مأمورین دولت با آنان برای کاهش ارزش چادر (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات [بی‌تا]: ۲۲۱؛ جعفری، ۱۳۷۱: ۲۴۰-۲۳۵)، (سعی در برطرف‌سازی موانع روانی تغییر با تأیید و احترام به هنجارهای جدید).
- استفاده از چادرهای ضبط شده از افراد برای پیراهن افراد بی‌بضاعت در مازندران (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱: ۲۹۰).
- اقدامات نظامی دولت برای کشف حجاب (همان: ۸۱).

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۴۵

- منع رویه سخت‌گیری نیروی انتظامی بر بانوان (صفایی، ۱۳۵۶: ۱۰۸-۱۰۷)، (متناسب‌سازی فرهنگ با تغییر).

با این حال بلافاصله پس از رسمی شدن کشف حجاب در ایران و ابلاغ دستور اجرای آن به مناطق مختلف کشور، طبقات مختلف مردم ایران به طرق مختلف به مقابله با این دستور پرداخته و برای برخورداری از امکان استفاده آزاد از پوشش و حجاب تمام کوشش خود را به کار بستند.

واکنش مردم ایران به دستور کشف حجاب

واکنش عمومی در برابر بی‌حجابی اجباری دولتی بر حسب هر طبقه و هر منطقه فرق می‌کرد. در شمال ایران که مدت‌ها بود که از طریق روسیه با اروپا ارتباط داشتند، این امر بدون مقاومت چندانی پذیرفته شد. حتی برخی از روحانیون با آن همراهی کردند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱: ۱۷). در میان اقشار تجددخواه نیز این امر با عنوان آزادی زنان با استقبال روبه‌رو شد. هم‌چنین به دلیل ارتباط زیاد بی‌حجابی با بهبود فرصت‌های آموزشی برای زنان، در اواخر دهه‌ی ۱۳۱۰ ش. تعداد دختران ثبت‌نام‌شده در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها به میزان چشمگیری افزایش یافت و زنان به دانشگاه راه یافتند. اما برای اکثریت زنان شهری ایرانی دوره‌ای دشوار آغاز شد (شهبایی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

در چارچوب نظری به دلایل مختلفی که می‌تواند به انسان‌ها انگیزه‌ی کافی برای مقاومت در برابر تغییرات برنامه‌ریزی شده‌ی دولتی - کشف حجاب- را بدهد، اشاره شد. همه‌ی عوامل مذکور به جهت تأثیرگذاری یکسان نیستند. در ذیل به عکس‌العمل‌های مردم، علمای دینی و کارمندان اداری و درباریان نسبت به دستور حکومتی کشف حجاب با تکیه بر اسناد اشاره می‌شود.

عکس‌العمل مردم نسبت به پدیده‌ی کشف حجاب

ابلاغ دستور کشف حجاب به سراسر کشور و موظف بودن مأمورین دولتی برای برخورد با زنان با حجاب محدودیت‌های زیادی را به‌وجود آورد. این محدودیت‌ها حتی زندگی زنان خانه‌دار جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد و به همین دلیل آنان برای حضور در جامعه و امکان انجام امور روزمره‌ی خود با روش‌های مختلف به مقابله با این دستور پرداختند.

استفاده از پوشش‌های دیگر به جای چادر: برخی از مردم به‌جای استفاده از چادرهای رایج - که دستور منع استفاده از آن صادر شده بود - هنگام خروج از خانه از چارقد، چادر نماز، چادر شب، چاقچور و سرپند استفاده می‌کردند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۲۶: ۷۴، سند ۱۲۷: ۷۴، سند ۱۹۹: ۱۱۴، سند ۳۳۹: ۱۹۰، سند ۴۴۵-۴۴۷: ۲۴۹-۲۵۱، سند ۴۸۱: ۲۶۹، سند ۵۶۴: ۳۲۰، سند ۱۹۴: ۱۱۰ و سند ۲۵۴: ۱۴۳؛ جعفری، ۱۳۷۱، سند ۱۱۵: ۲۴۶ و سند ۲۰۹: ۴۳۲) برخی با استفاده از چادر کمری سعی در حفظ پوشش خود داشتند (۸) (مصاحبه با خانم عذرا جلالی، مشهد: ۱۳۸۴/۳/۸ (خانه‌دار)).

۴۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

عده‌ای روپوش‌ها بلند، روسری و یا مقنعه را جایگزین چادر کردند (سنجر، ۱۳۷۰: ۴۳-۴۲، استاد ملک، [بی‌تا: ۱۴۲-۱۴۱]). عده‌ای نیز کلاه گیس برسر کرده و با پوشش کامل از خانه خارج می‌شدند (واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۱۳۲).

تغییر ساعت تردد برای استفاده از تسهیلات عمومی: در حالی که گروهی از زنان نیز برای مصون ماندن از تعرض مأمورین دولتی فقط شب‌هنگام از منزل خارج می‌شدند (استادملک، [بی‌تا]: ۱۴۲-۱۴۱؛ سنجر، ۱۳۷۰: ۴۳-۴۲). با این حال انجام بسیاری از امور ضروری خارج از منزل برای آن دسته از زنانی که مقید به حفظ حجاب خود بودند بسیار مشکل بود. رفتن به حمام نیز با توجه به این که مردم در آن زمان از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند از جمله این مشکلات بود. با توجه به ممانعت تردد زنان با حجاب در خیابان‌ها آنان برای حفظ حجاب مجبور بودند که صبح زود و یا شب هنگام به حمام روند (۹) (حائری، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۵ و مصاحبه باخانم ماشاء... ملازیان، مشهد ۸۴/۳/۷ (خیاط)). گاهی نیز مردان در بین راه خانه تا حمام در فواصل مختلف به مراقبت می‌پرداختند تا زنان باحجاب‌شان بتوانند بدون تعرض مأمورین دولت از حمام‌های عمومی استفاده کنند (۱۰) (به کوشش واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۲۸؛ حائری، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۵). برخی از افراد نیز که خانه‌شان در نزدیکی حمام‌ها قرار داشت از روی پشت‌بام خانه همسایه‌ها خود را به حمام می‌رساندند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۱۲: ۱۷۶) و البته برخی نیز که از تمکن مالی بیشتری برخوردار بودند در خانه‌های خود حمام ساختند تا زنان‌شان مجبور به خروج از خانه نباشند. (حائری، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۵؛ حدادعادل، ۱۳۶۳: ۴۸؛ استادملک، [بی‌تا]: ۱۴۲-۱۴۱). تمامی این اقدامات را می‌توان مخالفت‌های فرهنگی با دستور کشف حجاب دانست که به دلیل تعارض با اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، حفظ آبرو و عدم تناسب فرهنگ با تغییر مورد اعمال دولت روی می‌داد.

درگیری با مأمورین: با تمام تدابیر اتخاذ شده در برابر مردم بسیاری از موارد زنان با حجاب ضمن تردد در کوچه و خیابان با مأمورین سختگیر مواجه می‌شدند. اسناد منتشرشده و خاطرات مردم حاکی از آن است که در این گونه موارد گاه مردان با دادن رشوه به مأمورین، حجاب همسران خود را حفظ می‌کردند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند: ۲۱۴: ۱۲۲). گاه زنان با مأمورین درگیر می‌شدند (واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۲۸؛ حائری،

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۴۷

۱۳۷۲: ۱۶-۱۸ و ۱۸، استادملک، [بی‌تا]: ۱۴۲-۱۴۱؛ سنجر، ۱۳۷۰: ۴۳-۴۲؛ مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۲۳۰: ۱۳۳-۱۳۲).

گاهی نیز بلافاصله پس از مشاهده مأمورین روسری خود را مخفی کرده و دوباره بر سر می‌گذاشتند (۱۱) (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۹۳: ۱۱۰) و یا اگر چادر و پوشش سر آنان توسط مأمورین ضبط می‌گردید از روسری که بر سر کودکان همراه خود داشتند استفاده می‌کردند (۱۲) (مصاحبه حضوری: فاطمه ذبیحی ثانی، مشهد ۸۴/۳/۹ (خانه‌دار)). البته گاهی رفتارهای خشن مأمورین دولتی باعث می‌شد تا هنگامی که اهالی یک محله با مأموری تنها مواجه می‌شدند او را کتک زده و سپس فرار کنند (واحد تبلیغات موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۲۸ به نقل از مصاحبه ۷۳/۱/۱۹). واکنش مردم در مقابل مأمورین دولتی موظف به اعمال کشف حجاب را می‌توان ناشی از خودمداری فرهنگی مردم دانست که به دلیل برتر دانستن فرهنگ خود در مقابل تغییری که از سوی دولت مجبور به انجام آن بودند مقاومت می‌کردند.

واکنش منفی نسبت به بی‌حجاب‌ها: اما مبارزه با کشف حجاب تنها محدود به تدبیر روش‌های مختلف برای حفظ حجاب نبود، بلکه مردم در سطح جامعه با استهزاء (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۴۵۲: ۲۵۴ و نیز سند ۶۴: ۳۹، سند ۹۸ و ۹۹: ۵۸-۵۹، سند ۱۷۰: ۹۸، سند ۲۵۹: ۱۴۵، سند ۳۱۸: ۱۸۰ و سند ۳۲۱: ۱۸۱؛ جعفری، ۱۳۷۱؛ سند ۱۶۹: ۳۵۴)؛ فحاشی (همان، سند ۲۵۹: ۱۴۵ و سند ۲۱۵: ۱۲۳، بامداد، ۱۳۴۷: ۹۲-۹۱) هو کردن (همان، سند ۱۷۰: ۹۸) کتک زدن (همان، سند ۶۴: ۳۹ و سند ۳۴۵: ۱۹۲؛ بامداد، ۱۳۴۷: ۹۲-۹۱) و ایجاد مزاحمت و آزار برای زنانی که به دستور کشف حجاب دولت عمل می‌کردند (همان، سند ۳۴۶/۲: ۱۹۳، سند ۳۴۵: ۱۹۲ و سند ۱۷۰: ۹۸) با این تغییر مخالفت می‌کردند. علاوه بر آن زنان بی‌حجاب با اعتراض و ملامت شدید بانوان باحجاب نیز مواجه می‌شدند (واحد تبلیغات موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳، سند ۲۴: ۶۴؛ بامداد، ۱۳۴۷: ۹۲-۹۱) که این امر هم باعث می‌شد تا بسیاری از زنان در عدم استفاده از پوشش مورد قبول جامعه دچار تردید شوند. این واکنش مردم جامعه در مقابل کشف حجاب زنان را می‌توان در زمره‌ی موانع روانی در برابر دستور کشف حجاب قرار داد. چرا که مردم نیاز دارند که در هنگام انجام یک عمل مورد احترام و تأیید دیگران باشند و اگر در اجرای یک تغییر اصل هم‌نواپی رعایت نشود روند پذیرش آن تغییر از سوی مردم جامعه با مشکل مواجه می‌گردد.

۴۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

حرکت‌ها گروهی: علاوه بر برخوردهای انفرادی زنان و مردان با دستور کشف حجاب، عملکرد گروهی و فردی برخی افراد در سطح جامعه نیز به مانعی دیگر برای پیشبرد برنامه‌های دولت برای مدرن‌سازی کشور و شبیه‌سازی آن به کشورهای غربی تبدیل شده بود. بستن بازار و شرکت در اجتماعات (۱۳) (مکی، [بی‌تا]: ۲۸۱)، ترک جشن‌ها (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۱۸۷؛ به نقل از مکی، [بی‌تا]: ۲۸۱)، نصب و پخش اعلامیه (۱۴) (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۸۷: ۲۲۰-۲۱۹، به کوشش واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳، سند ۲۴: ۶۴) پناه دادن به فراریان در خانه و مغازه (۱۵) (همان: ۱۲۸؛ مصاحبه ۷۳/۱/۱۱ و حائری ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸)، بهانه کردن سردی هوا و استفاده از چادر (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۴۶/۱: ۱۹۳) سرزنش خیاطان (همان، سند ۳۷۵: ۲۱۰).

نقش متنفذین محلی در مقابله با کشف حجاب: استفاده متنفذین و متمولین هر منطقه از موقعیت خود برای جلوگیری از رفع حجاب از موارد قابل توجه است (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۲۱۵: ۱۲۳، سند ۲۱۶: ۱۲۴ و سند ۱۰۶/۱: ۶۳ سند ۹۸: ۵۸، سند ۲۶۷: ۱۵۱-۱۵۰ و سند ۵۲۸-۵۳۰: ۳۰۲-۳۰۳: جعفری، ۱۳۷۱: ۳۵۴).

شایعه پراکنی در مورد لغو دستور کشف حجاب: شایعه پراکنی در مورد بخشیده شدن و لغو دستور کشف (همان، سند ۲۵۹: ۱۴۵) یکی دیگر از روش‌های مبارزه‌ی مردمی در مقابله با کشف حجاب بود (۱۶).

عریضه‌نویسی: مردم هم چنین با عرض حال نویسی به مجلس و نخست وزیر، صریحاً اعتراض خود را اعتراض خود را به دستور کشف حجاب اعلام می‌کردند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۵۶۷: ۳۲۰، واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳، سند ۳۰: ۷۵ و سند ۴۵: ۶۶).

مهاجرت و طلاق: با این حال به دلیل شدت عمل دولت برای کشف حجاب زندگی عده‌ای از مردم ایران که به شدت با این دستور مخالف بودند به مخاطره افتاد. برخی از مردان تا به آنجا پیش رفتند که همسران خود را طلاق دادند (مکی، [بی‌تا]: ۳۱۷-۳۱۵) یا با خانواده‌های خود به سایر کشورها مهاجرت کردند (۱۷) (سنجر، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۳؛ مکی، [بی‌تا]: ۳۱۷-۳۱۵؛ اصلاحی، ۱۳۷۱: ۱۴). عده‌ای از دختران از رفتن به مدرسه محروم شدند (مکی، [بی‌تا]: ۳۱۷-۳۱۵، مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۸۷: ۲۱۹)، برخی از زنان نیز با گذشتن از مرز خرمشهر به

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۴۹

عراق رفتند (شهبایی، ۱۳۸۲: ۳۰۲). گروهی از معلمان به کار خود ادامه ندادند (همان، سند ۳۸۷: ۲۱۹). همان‌طور که عده‌ای از زنان از ترس تعرض مأمورین به آن‌ها خانه‌نشین شدند (۱۸) (حائری، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۶؛ استاد ملک، [بی‌تا]: ۱۴۲-۱۴۱؛ حدادعادل، ۱۳۶۳: ۴۸، واحد تبلیغات موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۱۳۲؛ سنجر، ۱۳۷۰: ۴۳-۴۲؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۱۹۷-۱۹۶؛ مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۹۰: ۱۰۸، سند ۱۹۱: ۱۰۹، سند ۲۶۷: ۱۵۰، سند ۲۸۵: ۱۵۹، سند ۱۷۷-۱۷۶: ۳۱۲ و نیز مصاحبه با: علی اصغر وطن‌خواه و عذرا جلالی (۸۴/۳/۸)) و حتی برای درمان بیماری نیز پزشک به منزل آوردند (۱۹) (مصاحبه با: علی اصغر وطن‌خواه (۸۴/۳/۸) مشهد، کفاش). یا برای استحمام در خانه‌های خود آب گرم کردند (۲۰) (همان‌جا). این واکنش‌ها را می‌توان در قالب موانع فرهنگی در برابر تغییرات هم‌چون اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، عدم‌تناسب فرهنگ با تغییر و اهمیت حفظ آبرو برای مردم از یک‌سو و عدم‌همنوایی تغییر با هنجارهای اجتماعی (موانع اجتماعی تغییر) از سوی دیگر بازشناخت.

درحالی که در شهرهای بزرگ و پایتخت ایران درگیری میان مردم و مأمورین دولتی در خصوص کشف حجاب ادامه داشت در مناطق دور افتاده زنان کمتر به مخاطره افتاده و در اکثر مناطق هم‌چنان حجاب خود را با استفاده از نفوذ و اعتبار خانوادگی (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۲۲: ۱۸۲ و نیز سند ۳۲۱: ۱۸۱، سند ۳۱۲: ۱۷۷-۱۷۶، سند ۱۷۰: ۹۸، سند ۲۱۴: ۱۲۲، سند ۲۳۲: ۱۳۳، سند ۱۱۷: ۶۹ و سند ۳۸۴: ۲۱۶، سند ۱۰۶/۱: ۶۲، سند ۲۱۴: ۱۲۲، سند ۲۱۶: ۱۲۴ و سند ۲۳۲: ۱۳۳، سند ۲۳۱: ۱۳۵، سند ۳۶۰: ۲۰۳، سند ۳۹۷: ۲۲۷، سند ۱۳۴: ۷۹)، نبود شهربانی در منطقه (۲۱) (همان، سند ۳۱۷: ۱۷۹، سند ۳۱۳: ۱۷۶، سند ۳۲۱: ۱۸۱، سند ۳۲۷: ۱۸۴ و سند ۳۶۴/۱: ۱۹۳) منوط کردن کشف حجاب خود به اعمال آن در شهرهای بزرگتر (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۱۵۳) و حفر چاه آب در خانه (۲۲) (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۷۰: ۹۸) با سهولت بیشتری حفظ می‌کردند که تمامی واکنش‌های فوق مردم را در برابر کشف حجاب می‌توان ناشی از عدم‌تناسب فرهنگ با تغییرات (موانع فرهنگی) و عدم‌همنوایی تغییرات با هنجارها (موانع اجتماعی) دانست.

برخورد علما با کشف حجاب (۲۳)

علاوه بر قیام مسجد گوهرشاد در مشهد که نماد همراهی مردم و علماء دینی در برخورد با پدیده

۵۰ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

کشف حجاب می‌باشد. شکل‌های دیگر از مخالفت علماء در اسناد و مدارک گزارش شده است. مانند نامه‌نگاری به مقامات (۲۴) (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۴۵: ۱۶؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌نا]: ۳۲۷؛ به نقل از خشونت و فرهنگ: ۲۸۴-۲۸۳ و واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳، سند ۲۲: ۶۲)، یا حضور در جشن‌ها به همراه همسران باحجاب‌شان (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۲۱۶: ۱۲۴)، تبلیغ در خصوص عدم‌قبولی نماز و روزه‌ی زنان بی‌حجاب (همان، سند ۳۸۴: ۲۱۶) و حتی اخطار به ملکه به دلیل حضور با پوشش نامناسب در حرم حضرت معصومه (فردوست، ۱۳۶۹: ۶۹-۶۸) مردم را به ادامه مخالفت با کشف حجاب تشویق می‌کردند.

واکنش کارکنان دولت و مسئولین طراز اول

دولت پهلوی برای پیشبرد ترویج بی‌حجابی در کشور و تشویق زنان به عدم استفاده از پوشش‌های سنتی با طرح برگزاری مراسم و جشن‌های مختلف، دعوت از کارکنان دولت و مسئولین طراز اول را در دستور کار خود قرار داده بود و اعمال برگزاری جشن‌ها را موظف می‌کرد تا گزارش نحوه‌ی برگزاری جشن‌ها و میزان پیشرفت و موفقیت طرح کشف حجاب را به مراتب بالاتر انعکاس دهند (مدیریت انتشارات و آموزش، ۱۳۷۱، سند ۵۹: ۳۷، سند ۹۸: ۵۸، سند ۱۰۸: ۶۳، سند ۱۹۰: ۱۰۸ و سند ۱۹۱: ۱۰۹). کارکنان دولت در دوره‌ی رضاشاه همراه و همانند مردم با پدیده‌ی کشف حجاب مخالفت کرده‌اند که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌شود.

عدم شرکت در جلسات جشن: اسناد و مکتوبات گزارش برگزاری این جشن‌ها و مجالس بیانگر آن است که مردم در مقابل دعوت برای حضور در این مراسم به دو شیوه واکنش نشان می‌دادند: عده‌ای از مأمورین، کارکنان دولت و مردم عادی به تنهایی و بدون زنان خود در این مجالس حاضر می‌شدند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۲۲۸: ۱۳۱ و نیز سند ۳۱۲: ۱۷۶، سند ۳۱۵: ۱۷۸، سند ۳۲۵: ۱۸۳، سند ۹۵۳: ۳۵-۳۶ و سند ۳۰۴: ۱۶۹) عده‌ای حضور یافته و به تمسخر افرادی می‌پرداختند که با همسران خود در جشن‌ها حضور می‌یافتند (همان، سند ۴۵۹: ۲۷۲).

حفظ پوشش و عکس‌العمل منفی: برخی افراد ضمن حضور در این مجالس به فحاشی به بانیان آن می‌پرداختند (همان، سند ۳۳۵: ۱۸۸) و در نهایت همسران عده‌ای از افراد که چاره‌ای جز حضور در جشن نداشتند می‌کوشیدند تا با حداکثر پوشش در آن مراسم حاضر شوند (واحد تبلیغات

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۵۱

موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳: ۲۶ و ۱۳۰؛ مکی، [بی‌تا]: ۳۰۳-۳۰۲، به کوشش مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۵۷۵: ۳۲۴) نهایتاً گروهی پس از شرکت اجباری و بدون حجاب در جشن‌ها، دوباره چادر بر سر می‌کردند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۵۲: ۸۹، سند ۱۰۸: ۶۳ سند ۲۶۱: ۱۴۷-۱۴۶ و نیز سند ۳۱۸: ۱۸۰). اما دسته‌ی دیگری از مردم عادی، مأمورین دولت، اعضای ادارات و حتی وزرا و افراد درباری تشکیل می‌دادند که از شرکت در جشن‌ها خودداری می‌کردند (۲۵) (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۵۹: ۳۷، سند ۱۹۰: ۱۰۸، سند ۲۱۶: ۱۲۴، سند ۱۳۱: ۲۲۸ و سند ۶۱: ۱۴۶، سند ۹۵۳: ۳۶-۳۵ و به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌تا]: ۱۳۹ به نقل از هدایت، ۱۳۴۴).

بهانه‌تراشی: عده‌ای دیگر از کارکنان دولت کارت دعوت برای شرکت در مراسم مختلف را با عذرهای متفاوت نمی‌پذیرفتند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۹۰: ۱۰۸ و سند ۲۱۶: ۱۲۴) یا آن که کارت دعوت را پذیرفته و بهانه‌هایی چون آماده نبودن لباس همسرشان، مسافرت بودن آنان، مریض و یا باردار بودنشان را دست‌آویز عدم شرکت در جشن‌ها قرار می‌دادند (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۵۵۰: ۳۱۴، سند ۲۲۸: ۱۳۱ و سند ۲۱۶: ۱۲۴، سند ۲۲۸: ۱۳۱ و سند ۲۲۵: ۱۲۹ و سند ۲۲۸: ۱۳۱). عده‌ای نیز در زمان دعوت برای حضور در مراسم مختلف به مسافرت می‌رفتند (همان، سند ۱۹۰: ۱۰۸ و سند ۲۱۶: ۱۲۴) و بدین ترتیب سعی در حفظ ارزش‌هایی داشتند که دولت سعی در تغییر آن‌ها داشت. با توجه به شاخصه‌های برشمرده شده برای موانع تغییرات، واکنش مردم در مقابل شرکت در جشن‌ها و مراسمی که به منظور ترویج بی‌حجابی و به دستور دولت انعکاس می‌یافت در چند قالب از نحوه‌های مخالفت مردم با تغییرات می‌گنجد. بدین ترتیب که مواردی هم‌چون بهانه‌تراشی و عدم شرکت مردم عادی در جشن‌ها، حضور آنان به تنهایی در مراسم مختلف، قبول نکردن کارت دعوت، رفتن به مسافرت و حضور بانوان محجبه در جشن‌ها را می‌توان ناشی از اعتقادات دینی و ارزش‌های فرهنگی، عدم تناسب فرهنگ با تغییر و اهمیت حفظ آبرو توسط افراد دانست که از موانع فرهنگی در برابر تغییرات هستند. هم‌چنین عدم شرکت مأمورین دولت و اعضای ادارات و افراد درباری در جشن‌ها و یا حضور انفرادی این افراد را می‌توان در قالب تعارض و عدم درک کارگزاران از نقشی که در برنامه‌ی تغییر به عهده‌ی آنان است قرار داد و در نهایت فحاشی برخی از شرکت‌کنندگان به بانیان برگزاری جشن‌ها و تمسخر انفرادی که به همراه همسران‌شان در جشن‌ها حضور می‌یافتند را می‌توان از

۵۲ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

موانع روانی در برابر تغییرات دانست که به دلیل عدم تأیید افراد و احترام به آنان در هنگام عمل بر تغییر (همنویایی)، واپس‌زدگی آنان را به دنبال می‌آورد.

عدم اجرای دستور حکومتی توسط مأمورین: مأمورین دولتی نیز اگرچه مجبور به انجام دستورات دستورات صادر شده از سوی دولت بودند، اما مانند بسیاری از مردم ایران با کشف حجاب مخالف بودند و مخالف خود را با عدم اجرای برنامه‌های تعیین شده توسط مسئولین (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۱۰۶/۱: ۶۲)، درخواست در تأخیر اجرای کشف حجاب در مناطق مختلف (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، [بی‌نا]، سند ۶۰)، تسامح و سهل‌گیری بر زنان باحجاب (۲۶) (حائری، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۵، واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت: ۱۲۸-۱۲۹ به نقل از مصاحبه ۷۳/۱/۱۹؛ مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۵۲۸: ۳۰۲، سند ۲۸۵: ۱۵۹، سند ۲۶۱-۲۶۲: ۱۴۶-۱۴۷ و سند ۲۶۸-۲۶۷: ۱۵۱-۱۵۰)، عدم گزارش واقعیت به مرکز (مدیریت پژوهشی انتشارات و آموزش تهران، ۱۳۷۱، سند ۳۱۲: ۱۷۶) و عدم حضور با همسران‌شان در سطح شهر (همان، سند ۲۸۵: ۱۵۹) ابراز می‌کردند.

مخالفت درباریان با کشف حجاب: طرح رضاشاه برای تغییر ظاهر مردم ایران حتی از سوی تمامی درباریان و افراد حکومتی نیز حمایت نمی‌شد و برخی از درباریان با تأخیر در اجرای قانون کشف حجاب در خانواده (۲۷) (سیفی‌فمی‌تفرشی، ۱۳۶۸: ۱۸۴ به نقل از صدر، ۳۶۴) و بهانه‌تراشی برای شرکت در مجالس (هدایت، ۱۳۴۴: ۴۰۷) ناراضی خود را نشان می‌دادند. ضمن آن‌که مخالفت برخی از این افراد با کشف حجاب زنان در دست نوشته‌ها و خاطرات آن‌ها نیز دیده می‌شود (همان: ۴۰۸-۴۰۵، ۴۱۲، ۴۲۶ و ۴۹۲) بنابراین موانع روانی در برابر تغییرات و عدم اجرای نقش محوله به کارگزاران برای اعمال تغییر (ادراک متفاوت از نقش)، از جمله عواملی بود که به همراهی برخی از مأمورین دولتی و درباریان با مخالفان کشف حجاب منجر می‌شد.

نتیجه‌گیری

هر تغییری در هر جامعه‌ای می‌تواند با موانعی همراه باشد. در یک تحلیل نهایی ریشه‌های این موانع را می‌توان در ساختارها و یا در عاملیت و یا کنش متقابل بین این دو جستجو کرد. پدیده‌ی کشف

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۵۳

حجاب که توسط رضاشاه به منظور همنوایی با غرب صورت گرفت در جامعه ایران توفیق چندانی بدست نیاورد. در این تحقیق سعی شد با تکیه بر چارچوب نظری به کشف شیوه‌های مختلف مقاومت منفی مردم اشاره شود. در این راستا شیوه‌ها مبارزه‌ی مردم، علما و کارکنان دولتی به تصویر کشیده شد، تا نشان داده شود که بر اساس مستندات این تحقیق می‌توان اظهار داشت، مقاومت در برابر الزام ساختار سیاسی به بی‌حجابی یک پدیده‌ی گسترده و همه‌جانبه بوده که تمام اقشار جامعه و حتی درباریان را در بر می‌گرفته است. در این تحقیق نشان داده شد که اگر چه مردم برحسب شرایط متفاوت شیوه‌های مختلفی را برای مقابله با کشف حجاب بر می‌گزیدند، ولی آن‌چه در ذهن کنشگران صحنه نقش تعیین‌کننده را داشته است عناصر فرهنگ و اعتقادات دینی بوده که افراد از طریق فرایند جامعه‌پذیری دریافت داشته‌اند.

پی‌نوشت

۱- اغلب پذیرفته شده که بی‌حجابی به معنای باز کردن و نشان دادن سر و موی زن است. با این حال پژوهش‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که کشف حجاب در دوره‌ی رضاشاه بیشتر به معنای برداشتن پوشش صورت و چادر به سبک ایرانی بوده است که غالباً با همان چادر صورت خود را نیز می‌پوشانده‌اند (رو می‌گرفته‌اند) تا باز کردن کامل سر بدون روسری یا کلاه. این تفاوت در گزارش‌های تاریخی روشن نیست و روشن کردن آن برای پژوهش‌های بعدی اهمیت دارد (کرونین، ۱۳۸۲: ۲۴۹). ضمن آن‌که اکثریت زنان ایرانی که در روستاها زندگی کرده و یا به عشایر تعلق داشتند، حجابی به معنای چادر سرکردن و روی خود را از مردم پوشاندن نداشتند. به طور کلی حجاب در ایران و خاورمیانه پدیده‌ای شهری و بیشتر مختص به طبقه‌ی بالا بود (کرونین، ۱۳۸۲: ۲۵۰) گزارش این امر (به عنوان نمونه بی‌حجابی در دهات اصفهان) در اسناد نیز به چشم می‌خورد (جعفری، ۱۳۷۱، سند ۲۲۵: ۴۶۴).

۲- آقای دکتر مهدی صلاحی بر این عقیده است که اندیشه‌ی کشف حجاب را رضاشاه مطرح نکرد. او تنها این اندیشه را در حد گسترده عملی ساخت. از نظر ایشان پیش از آن، چهره‌های نواندیش جنبش مشروطه هم چون میرزا ملک‌خان، آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی بودند که در طرح اندیشه‌ی حجاب‌زدایی نقش داشتند (صلاحی، ۱۳۸۴: ۵۶).

۳- در دهه‌ی ۱۳۰۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۱۰، بسیاری از زنان فعال سیاسی، علناً و فعالانه برای رفع حجاب کوشیدند اما آن‌چه آنان می‌خواستند آزادی بی‌حجابی بود و نه لغو اجباری حجاب (شهابی، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

۴- نخستین کشور اسلامی که اقدام به کشف حجاب کرد، افغانستان بود. امان‌الله‌خان در بازگشت از اروپا در سال ۱۳۰۶ش اعلام کرد که زنان بایستی بدون حجاب باشند و اقداماتی را در جهت پوشیدن لباس اروپایی آغاز کرد و با همسر خود بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد. این امر موجب واکنش روحانیون و قیام عمومی در افغانستان شد و امان‌الله‌خان به ناچار استعفا داده و کشور را ترک کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۳۷).

۵- برای اطلاع از آثاری که درباره‌ی حجاب و کشف حجاب در شعر فارسی معاصر وجود دارد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۳۷-۱۵۹).

۵۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

- ۶- بلافاصله پس از اعلام کشف حجاب در جشن فارغ‌التحصیلی کالج تربیت‌معلم زنان در تهران، دولت به صدور اعلامیه‌ای درباره‌ی چگونگی رفتار زنان در ملاء عام و مجامع خصوصی پرداخت. در این اعلامیه به زنان توصیه شد که حتی در خانه وقتی مرد غریبه‌ای هست نباید کلاه خود را بردارند و نیم‌تنه و دستکش را در بیاورند (کرونین، ۱۳۸۲: ۲۵۲).
- ۷- با وجود این تدابیر، برخی از زنان استفاده‌ی از چادر نماز را با استناد به گرانی و کم‌یابی پارچه توجیه می‌کردند. (جعفری، ۱۳۷۱، سند ۲۱۲: ۴۳۸).
- ۸- «... یاد می‌آید که مادر و بی‌بی‌ام چادر کمری درست کرده بودند و با آن بیرون می‌رفتند...».
- ۹- «... گهگاه در ساعات آغازین بامداد که هوا هنوز تاریک بود، زنان به گرمابه‌های عمومی می‌رفتند...».
- ۱۰- «... بعضی وقت‌ها که مادرم می‌خواست به حمام برود، چندین نفر می‌شدیم و به حمامی می‌گفتم حمام را شب باز نگه دارد و همگی این چند زن را به حمام می‌بردیم...».
- ۱۱- «... زن‌ها ترک عادت دیرینه خود را ننموده [و] دستمال بر سر خود می‌بندند و در موقعی که چشم آن‌ها به یک نفر امنیه یا مأمور دیگر از دو اثر دولتی می‌افتد دستمال از سر خود برداشته مخفی می‌دارند...».
- ۱۲- «... یک بار که با هم بیرون رفتیم پاسبان چادر را از سر مادر بزرگم کشید و زیر پایش پاره کرد و او هم روسری مرا که کوچک بودم برداشت و سرش کرد...».
- ۱۳- پس از جشن ۱۳۱۳ و رقص دوشیزگان سر لخت در شیراز، روز بعد بازار تعطیل شد و مردم در مسجد و کیل اجتماع کردند.
- ۱۴- پس از کشف حجاب در قم اعلامیه‌هایی بر روی دیوارها مبنی بر خارج کردن دختران از مدرسه نصب شد.
- ۱۵- «... مأمور چادر و روسری را از سر او کشید و بعد با باطوم به دست‌های مادر بزرگم که بر روی موهایش گرفته بود زد و او به مغازه شاگرد پدر بزرگم پناه برد تا آن مأمورها بروند و بعد به خانه بیاید.»
- ۱۶- «... انتشاراتی در بین مردم شنیده شده که چون از طرف دولت املاک اختصاصی به رعایا واگذار گردیده حجاب را هم بکشیده‌اند...».
- ۱۷- «... بسیاری از خانواده‌ها فقط و فقط به همین انگیزه به عراق مهاجرت کردند و دیگر برنگشتند...».
- ۱۸- «زنای که مایل نبودند بی‌حجاب به کوچه و بازار روند سخت دچار زحمت بودند و ناچار ماه‌های متوالی از خانه بیرون نمی‌رفتند.»
- ۱۹- «حتی برای حمام و بیمارستان و کارهای واجب بیرون نمی‌رفتند و مثلاً طیب را به خانه می‌آوردند...».
- ۲۰- «مادرم برای آن که برای حمام رفتن از منزل خارج نشوند در منزلشان آب گرم می‌کردند و حمام می‌کردند.»
- ۲۱- «در قسمت نهضت بانوان نیز به واسطه نبودن پست انتظامی کفیل نایب‌الحکومه موفقیت حاصل نمی‌کند زیرا هروقت مأمور انتظامی به محل برود موضوع عملی و پس از خروج مأمور از محل باز به استعمال چارقد و غیره مبادرت می‌نمایند.»
- ۲۲- «عده کثیری برای این که خانم‌هایشان از منزل برای آب آوردن خارج نشوند، چاه آب در منازل خود حفر نموده‌اند.»
- ۲۳- آقای رسول جعفریان در مقدمه‌ی کتاب رسائل حجابیه خود به چگونگی عملکرد علما برای مبارزه با کشف حجاب طی دو مرحله اشاره کرده است (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۵). ایشان در کتاب دیگر خود با عنوان داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، به شرح مبسوط این امر پرداخته‌اند.

شیوه‌های مختلف مقاومت مردم ایران در برابر دستور حکومتی کشف حجاب در دوره‌ی اول پهلوی ۵۵

۲۴- آیتا... حائری نمایندگان را که به همراه یکی از علمای برجسته تهران برای کسب تکلیف به قم آمده بودند و سؤال می‌کردند که: آیا در برابر کشف حجاب باید سکوت کرد یا قیام و یا مبارزه منفی نموده و بازارها را تعطیل کرد، گفته بودند: «تا پای جان بایستی ایستاد و من هم می‌ایستم و اشاره به رگ‌های گلی خود نمودند».

۲۵- «... برای این که مجبور نشوم خلاف وجدان تصدیقی نمایم، به آن مجلس دانش‌سرای مقدماتی نرفتم...».

۲۶- «... برخی از آن‌ها که می‌دیدند کوچه‌ها خلوت است و کسی دیگر آن‌ها را نمی‌پاید، چشم خود را بسته و حضور یک زن باحجاب را نادیده می‌انگاشتند و به یک یادآوری مانند «چرا چادر به سر کرده‌اید؟! زود به خانه بازگردید!» بسنده می‌کردند».

۲۷- صدرالاشرف وزیر دادگستری رضاخان می‌نویسد: «پس از آن که شاه در اوایل خرداد ماه ۱۳۱۴ در حضور هیأت جریان رفع حجاب زنان را مطرح نمود چون متوجه بود که برای من اقدام به این کار بی‌نهایت شکل است گفت: «شما حالا معاف هستید.» (سیفی‌فمی تفرشی، ۱۳۶۸: ۱۸۴ به نقل از صدر، ۳۶۴).

منابع

- آوری، پیتر (۱۳۶۹) تاریخ معاصر ایران، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- ابراهامیان، پروانه (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- استادملک، فاطمه [بی‌تا] حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- اصلاحی، امین‌احسن (۱۳۷۱) احکام حجاب در قرآن، ترجمه‌ی ابوبکر مدنی، نشر احسان، [بی‌جا].
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱) تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی، تهران: صدای معاصر.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷-۱۳۴۸) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید ایران، تهران: انتشارات ابن سینا.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۵) مأموریت برای وطنم، نگاه نشر و ترجمه کتاب، [بی‌جا].
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۳) تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، بی‌نا، بی‌جا.
- جعفری، مرتضی و دیگران (۱۳۷۱) واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب)، مقدمه‌ی دکتر رضا شعبانی و دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳) داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- (۱۳۸۰) رساله حجابیه، شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، دلیل ما، قم.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا؛ عباسی، مهدی (۱۳۸۰) تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده، تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲) آنچه گذشت، تهران: انتشارات معین.
- حدادعادل، غلامعلی (۱۳۶۳) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش.
- واحد تبلیغات موسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۳) حکایت کشف حجاب، موسسه فرهنگی قدر ولایت، [بی‌جا].
- مدیریت انتشارات و آموزش (۱۳۷۱) خشونت و فرهنگ، [بی‌نا]، تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱) حیات یحیی، تهران: انتشارات عطار.
- سنجر، فریدون (۱۳۷۰) حاصل چهل سال خدمت، انتشارات پروین، [بی‌جا].

۵۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۹۰

سیفی‌فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۸) پلیس خفیه ایران، تهران: انتشارات ققنوس.

شریف‌رازی، محمد (۱۳۳۲) آثار الحجه، قم: کتاب‌فروشی برقی.

شهبایی، هوشنگ (۱۳۸۵) در کتاب تجدد آمرانه جامعه و دولت در عصر رضاشاه، تورج اتابکی، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

————— (۱۳۸۲) در کتاب کرونین، استفانی، شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ثاقب‌فر، تهران: جامی.

صدر، محسن (۱۳۶۴)، خاطرات صدرالاشرف، انتشارات وحیده، [بی‌جا].

صفایی، ابراهیم (۱۳۵۶) رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

صلاحی، مهدی (۱۳۸۴) نشست تخصصی کشف حجاب، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

عاقلی، باقر (۱۳۷۰) نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران: انتشارات جاویدان.

فاستر، جورج.م (۱۳۷۸) جوامع سنتی و تغییرات فنی، ترجمه‌ی سید مهدی ثریا، تهران: نشر کتاب افرا.

فردوست، حسین (۱۳۶۹) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: انتشارات اطلاعات.

کرونین، استفانی (۱۳۸۲) شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ثاقب‌فر، جامی، تهران.

مکی، حسین [بی‌تا] تاریخ بیست ساله‌ی ایران، انتشارات اعلمی، [بی‌جا].

نجاتی، غلامرضا [بی‌تا] خاطرات بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت، موسسه خدمات فرهنگی رسا، [بی‌جا].

واحد، سینا (۱۳۶۳) قره‌الی، درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، [بی‌جا].

جعفری، مرتضی؛ اسماعیل‌زاده، صغری؛ فرشچی، معصومه (۱۳۷۳) «واقعه‌ی کشف حجاب»، سازمان مدارک و موسسه‌ی پژوهش، [بی‌جا].

هدایت، مهدیقلی (۱۳۴۴) خاطرات و خطرات، انتشارات کتاب‌فروشی زوار، [بی‌جا].

مجله سروش (۱۳۵۹/۱۲/۱۶) «به یاد حماسه خونبار گوهرشاد»، سال دوم، شماره نود، (ویژه‌نامه گوهرشاد).

کریمی‌ان، علی (۱۳۷۶) «پیامدهای واقعه‌ی گوهرشاد در آیین اسناد نویافته»، مجله‌ی تاریخ فرهنگ معاصر، سال ششم، شماره اول و دوم، صص ۲۲۰-۱۴۵.